**جلسه هشتم(۱۰/۸/۱۳۹۴)**

**مسأله سوم:** **قد یکون الاحتیاط فی الفعل کما إذا احتمل کون الفعل واجباً و کان قاطعاً بعدم حرمته و قد یکون فی الترک ، کما إذا احتمل حرمه فعل و کان قاطعاً بعدم وجوبه و قد یکون فی الجمع بین أمرین مع التکرار کما اذا لم یعلم آنَّ وظیفته القصر او الاتمام.**

راجع به موضوع و متعلَّق احتیاط سه صورت قابل تصور است.

**الف: گاهی موضوع احتیاط فعل مکلَّف است:** مثل اینکه یقین داریم به اینکه فلان عمل حرام نیست و لکن احتمال وجوب آن را می­دهیم. مثلاً در عبادات یقین داریم سوره حرام نیست و لکن احتمال می­دهیم جزء واجب نماز باشد در این موارد فتوای همه فقها این است که باید احتیاط کرد . لذا در هر کجا که احتمال وجوب عمل داده شود چه به عنوان جزء چه به عنوان شرط و در صورتی که یقین به حرمت آن نداریم آن مورد از مصادیق احتیاط است.

**ب: گاهی موضوع احتیاط ترک است:** مثل اینکه مکلَّف یقین دارد فلان عمل جزء یا شرط واجب نیست و لکن احتمال حرمت آن را می­دهد در این صورت مقتضای قاعده احتیاط ترک عمل است ( در کتابهای اصولی قسم اول را شک در جزئیت و شرطیت و قسم دوم شک در مانعیت نام گزاری شده است)

**ج: گاهی موضوع احتیاط جمع بین فعل و ترک است:** مثل اینکه جمع می­کنیم بین جهر و اخفات و یا قصر و اتمام .

 صاحب عُروه می­نویسد احتیاط در این جا به تکرار است. به این بیان که یک بار نماز جهری و یک بار اخفاتی بجه آورد.

**نظر استاد.** کلام صاحب عُروه اشکال دارد چرا که قصر و اتمام دو ماهیت مختلف هستند[[1]](#footnote-1) و در جای که دو حقیقت مختلف باشند هرگز تکرار صدق نمی­کند چرا که تکرار در جای است که یک حقیقت باشد لذا قید تکرار اضافی است.

**اللهم الا أن یقال** که مراد ایشان از تکرار تکرار مفهومی است نه مصداقی یعنی مفهوم نماز بر قصر و اتمام بر یک سبیل اطلاق می­شود به این معنی که هم قصر را نماز می­گویند هم اتمام را .

اما این توجیه صحیح نیست چون مفهوم در ظرف ذهن است و اثر خارجی ندارد در حالی که عبادات مربوط به جوارح است پس خارجیت دارد و در ظرف خارج ما در پی ماهیت و حقیقت هستیم.

1. ۲۳- صلاه جهری یک ماهیت و صلاه اخفاتی ماهیت دیگری است. و حال آنکه بحث ما در اقل و اکثر است ... [↑](#footnote-ref-1)